

در این مقاله کوتاه برآنیم که نگاه مختصری به وضعیت زنان جامعه عربستان پیش از اسلام بیندازیم امید است که خوانندگان با خواندن این سطور خود به دنبال تحقیق بیشتر رفته و سره را از ناسره باز شناسند.

بازار عکاظ مرکزی بود در مکه که مردم از نقاط گوناگون به این بازار می آمدند و کالای خود را عرضه می کردند. از آنجا که سخنوری در میان اعراب از اهمیت خاصی برخوردار بود شاعران و سخنوران به این مکان می آمدند و در آنجا به خواندن شعر یا سخنوری می پرداختند. گاهی کاربرد شعر برای اعراب از حربه شمشیر بسی کارا تر بود. اسما بنت مروان زن شاعری بود که به خاطر گفتن شعر هجوی در باره حضرت محمد به قتل رسید. از شاعر بودن اسما بنت مروان به خوبی میرهن است که وی با آزادی تمام به این بازار عکاظ می آمده و به سخنان شاعران و سخنوران گوش فرا می داده است. یک شاعر تا گوشش به شنیدن شعر آشنا نباشد، حس شعر سرایی در او تقویت نمی شود.

زندگی حضرت خدیجه گواهی دیگری بر ادعای ماست که زنان پیش از اسلام به مراتب از آزادی بیشتری برخوردار بودند. خدیجه زنی متول و ثروتمند بود که ثروت خود را از راه بازرگانی به دست آورده بود. لازمه بازرگان بودن این است که بتواند آزادانه با فشرهای مختلف مردم سروکله بزند. خدیجه خود از محمد خواستگاری کرد. زنی با آنچنان ثروت و با آن سن و سال باید بسیار خود رای و آزاد باشد تا بتواند دست به چنین کاری بزند حق جوار زینب دختر محمد که می خواست شوهرش را از دست مسلمین آزاد کند سه هزار درهم پول نقد فراهم کرد. ولی نتوانست سه هزار درهم دیگر را فراهم کند در عوض دو قطعه جواهر را که هزار درهم ارزش داشت با سه هزار درهم پول نقد فرستاد و گفت شوهرم را آزاد کنید.

عمر ابن خطاب، به مسلمین گفت: من پیشنهاد می کنم که ابوالعاص شوهر زینب بدون پرداخت فدیة آزاد شود و با سه هزار درهم پول نقد و دو قطعه گوهر به مکه برگردد.

پیغمبر اسلام گفت: یا عمر بین من و سایرین تفاوتی وجود ندارد. تا اینکه دامادم بتواند بدون پرداخت فدیة آزاد شود. مگر که در قبال آزادی او عهد کند که دخترم را طلاق دهد. و وی نزد من بیاید و مسلمان شود.

ابوالعاص زن خود زینب را دوست می داشت. و زینب هم به او علاقمند بود. و آن مرد پنهانی از مکه عزیمت کرد و خود را به مدینه رساند. همینکه ابوالعاص وارد مدینه شد، زینب به مسجد رفت و با صدای بلند به پدرش و مسلمین گفت که او تصمیم گرفته است که ابوالعاص شوهر سابق خود را مشمول حق جوار کند. حق جوار حقی بود که عرب بدوی به خارجیان می داد. وقتی یک خارجی حق جوار می یافت مصونیت پیدا میکرد. حق جوار زنهای عرب بیشتر از مردهای عرب بود. یعنی در شبه جزیره عربستان آنقدر برای زن ارزش قائل بودند که اگر یک خارجی می توانست خود را به خیمه یک زن برساند، همینکه دستش به طناب خیمه می رسید و پناه می خواست مشمول حق جوار می گردید. اگر یک خارجی ولو گناهکار فراری، همینکه خود را به یک زن عرب می رسانید و آن زن عرب مقتعه خود را بر روی او می انداخت وی از حق جوار استفاده میکرد. و از آن پس جار آن زن می شد. و کسی نمی توانست آن مرد را دستگیر کند.

مسلمین وقتی دیدند که دختر پیامبر به ابوالعاص حق جوار عطا می کند چشمها را متوجه پیامبر دوختند. پیامبر گفت: زینب می تواند این مرد را که در گذشته شوهرش بوده است مشمول حق جوار کند. و در معیشت او کمک کند و لی نباید با او در یک منزل بسر ببرد. برای اینکه نباید یک زن مسلمان با یک مرد مشرک در یک منزل بسر ببرند

زنان جنگجو:

تعدادی از کشتگان جنگ احد زنان بودند. آمدن زنان به صحنه های نبرد دلیل بر آزاد بودن آنان دارد . یکی از قبایل که مسلمین می خواستند بر آنها غلبه کنند قبیله ای بود به نام کلب. زندهای این قبیله مثل مردان سلاح بدست می گرفتند و به جنگ می رفتند . زنان این قبیله در یکی از جنگها ۸ نفر از مردان مسلمان را اسیر کرده و همه آنها را مقطوع النسل کردند.

ناگفته نماند که یکی از علل شکست ایرانیان در جنگ قادسیه این بود که زنان عرب اجساد مسلمانان را از صحنه کارزار دور کرده و در عوض با شقاوت هر چه تمامتر اجساد ایرانیان را تکه پاره کرده و با بوجود آوردن صحنه های رقت بار باعث تضعیف روحیه سربازان ایرانی شدند.

منابع مورد استفاده :

یزدگرد سوم نوشته بهرام داهیم

محمد پیامبری که از نو باید شناخت

عایشه بد از پیغمبر

سایت www.faithfreedom.org

ایراندخت

درفش کایانی



<http://derafsh-kaviyani.com/>